

حیات وحش ایران



حیات وحش میراث پارسیان
PERSIAN WILDLIFE
HERITAGE FOUNDATION

خبرنامه موسسه حیات وحش میراث پارسیان

سال سوم - شماره ۷ - بهار و تابستان ۱۳۹۲



- یوز و هما دست به کار حفاظت
- مستند رفتار شناسی سلطان صخره‌ها
- حفاظت از یوز آسیایی در توران
- خاله دنا و شپلک
- هنر زنان عشایری در خدمت حفاظت
- مستند «مَم، خرس سیاه بلوچی»
- هنر، رسانه و حفاظت از محیط زیست
- رویدادهای خبری

□ همکاری موسسه حیات وحش میراث پارسیان با باغ وحش ارم سبز
□ موسسه حیات وحش میراث پارسیان به برنامه‌ی «۱٪ برای زمین» می‌پیوندد

موسسه حیات وحش میراث پارسیان (PWHF) در سال ۱۳۸۷ برای کمک به حفظ تنوع زیستی ایران تاسیس شد. این موسسه غیردولتی و غیرانتفاعی است و به صورت خیریه اداره می‌شود. موسسه حمایت از حیات وحش میراث پارسیان، همه فعالیت‌های خود را با هماهنگی سازمان حفاظت محیط زیست ایران و زیر نظر یک هیات امنای معتبر انجام می‌دهد. هیات امنای اهداف را تعیین و تصویب می‌کند و می‌کوشد تا منابع مالی لازم برای موفقیت این اهداف تأمین شود. این هیات همچنین بر اجرای طرح‌ها و بودجه سالانه، نظارت دقیق دارد. پروژه‌های موسسه توسط هیات مدیره طراحی و هدایت می‌شوند و مدیرعامل اجرای آنها را مدیریت می‌کند. هیات مدیره ترکیبی است از مدیران حیات وحش، استادان دانشگاه و دست‌اندرکاران حفاظت با سالها تجربه مرتبط با حیات وحش ایران. پژوهش‌های علمی توسط گروهی از پژوهشگران داوطلب صورت می‌گیرد که اکثراً از متخصصان علوم محیط زیست و مرتبط با دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی هستند.

مدیر مسوول: افشین زارعی

سردبیر: معصومه صفایی

هیات علمی و تخصصی:

مهیندخت دهدشتیان، هومن جوکار،

کاووس سید امامی

مدیر هنری: محمدرضا محمدی

مدیر امور اجرایی و ترجمه:

آبنوس صادقی

آتلیه گرافیک: رضا اسدی

نشانی دفتر خبرنامه: تهران، خیابان کریم‌خان

زند، پلاک ۹۹، واحد ۲

کدپستی: ۱۹۸۵۶-۸۶۳۴۱

تلفن: ۲۰-۸۸۳۱۹۲۱۷-۸۸۳۱۹۲۱۰ (۰۲۱)

نمابر: ۸۸۳۱۹۲۰۵ (۰۲۱)

info@Persianwildlife.org

www.Persianwildlife.org

www.Persian wildlife.com

اصلاحیه مربوط به عکس مطلب "بانگ گولک": اما این بار نه برای شکار"، خبرنامه حیات وحش ایران، شماره ۶، زمستان ۱۳۹۱ [بانگ مرال: گوزن نر در حال سر دادن گاو بانگ برای به رقابت کشیدن دیگر نرها در تشکیل حرمسرا. عکس: هومن جوکار]

روی جلد: لاک‌پشت پوزه‌عقابی - اثر نعیمه نعیمی

این اثر هنری در برنامه‌ی «هنرمندان برای طبیعت» در گالری گلستان فروخته شد که نیمی از فروش آن برای حمایت از یوزپلنگ آسیایی و پلنگ ایرانی به موسسه حیات وحش میراث پارسیان تعلق گرفت. سپس خریدار آن را به هتل رامسر به عنوان نمادی از کنوانسیون بین‌المللی رامسر برای حفاظت از تالاب‌ها و پرندگان مهاجر اهدا کرد.



Email: masi.safaei@yahoo.com

بر نام ایندیانا

سخن سردبیر

ارزش ملی یا حاشیه دست و پاگیر

اصولاً آدم‌ها کمتر به تلاش برای آموختن چیزی با پند و نوشتار و شنود پاسخ می‌دهند و بیشتر به آن چیزی عمل می‌کنند که می‌بینند و در پیرامونشان در جریان است. به همین دلیل کودکان بیش از عمل به آنچه پدر و مادر سعی در آموزش آن در قالب تربیت به شکل‌های مختلف دارند در نهایت به آنچه عمل می‌کنند که در پیرامون خود می‌بینند و برای آنها ملموس‌تر است.

از این رو نهادینه کردن ارزش‌های طبیعت و عشق‌ورزی به آن نیز از این قاعده جدا نیست و بیش از آنکه به آموزش در قالب همایش و دوره آموزشی و بروشور نیاز داشته باشد، نیازمند به تصویر کشیدن ارزش‌ها در شکل‌های گوناگون دیداری از جمله فیلم، انیمیشن و نمایشگاه‌های هنرهای تجسمی است. اما به دلایل مختلف و متعدد، در کشور ما این مقوله در حوزه طبیعت و حیات وحش کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

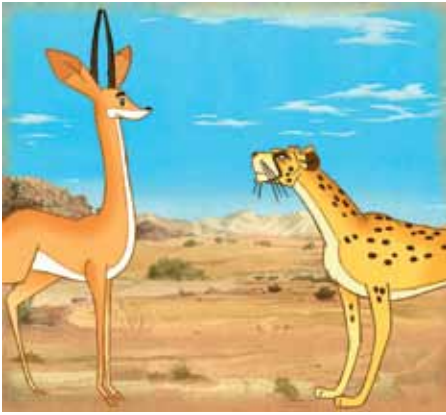
گریز پا و در دسترس نبودن حیات وحش، عدم سرمایه‌گذاری شاید به دلیل نداشتن این چالش‌ها، دلسردی متخصصان در کشور شاید به اندازه انگشتان دست هم داده‌اند تا امروز با وجود حوزه طبیعت و حیات وحش و نیاز شاهد تولید و پخش مستند، صدا و سیما باشیم.

جالب است بدانید که از بین حواس از محیط اطراف رتبه نخست را حس است و شنوایی با ۱۳٪، لامسه با ۶٪، رده‌های بعدی قرار گرفته‌اند. از این رهگذر تصویری می‌توانند چه نقش تعیین‌کننده‌ای باشند. به خصوص اینکه علاوه بر تاثیرگذار سرعت و دقت و با هزینه‌ای اندک تحت پیش از هر چیز باید آنچه ما در طبیعت ایران گوناگون تلاش می‌کنیم شناسانده شود. حیات جامعه از تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان و متخصصان ندارد و دورنمایی از آن در ذهن افراد نیست، در شرایط کنونی نمی‌تواند با طرح‌های تفصیلی و هزینه‌بر مدیریت شود و نجات باید. خروج از شرایط فعلی و برداشتن گامی به جلو نخست نیازمند شناخت، ایجاد پیوند و نهادینه کردن ارزش‌های طبیعی کشور است تا وقتی در فلان هیات نظارت و کمیته فنی و کمیسیون زیربنایی و شورای فلان روستا سخن از به مخاطره افتادن زندگی حیوانات و تخریب زیستگاه به میان می‌آید نه به چشم یک محدودیت و یک حاشیه دست و پاگیر بلکه به چشم یک وظیفه ملی و ارزش درونی به آن پرداخته شود. با توجه به این مهم محوریت این شماره از خبرنامه حیات وحش ایران را به اهمیت نقش هنر و رسانه‌های تصویری و اقدامات انجام شده در این حوزه اختصاص داده‌ایم.



اهداف خبرنامه حیات وحش ایران

- گزارش فعالیت‌های حفاظتی و مطالعات مربوط به حفاظت حیات وحش که توسط موسسه حیات وحش میراث پارسیان یا با همکاری موسسه‌ها و گروه‌های زیست محیطی دیگر صورت گرفته است.
- اطلاع‌رسانی درباره عمده‌ترین فعالیت‌های حفاظت از حیات وحش در ایران و جهان
- افزایش آگاهی‌های زیست محیطی درباره‌ی حفاظت از حیات وحش
- انتشار اطلاعات برای بهبود مدیریت مناطق حفاظت شده و مدیریت حیات وحش در ایران
- فراهم کردن فضا برای پژوهشگران و دست‌اندرکاران محیط زیست طبیعی کشور تا دستاوردهای علمی خود را ارایه دهند و تجربیات میدانی خود را مبادله کنند.



پوز و هما

انیمیشن‌هایی برای آگاه‌سازی کودکان از دنیای حیوانات

◀ لیلا رنجبر اقدم

ده گرفتار سگ اهلی می‌شوند و در نهایت به کمک محیط‌بانان به محل زیست خود بازگردانده می‌شوند. تکنیک کار دو بعدی به شیوه‌ی دستی است، یعنی تمامی فریم‌ها با دست طراحی می‌شود. زمان تولید این پروژه با توجه به کیفیت بالاتر و تعدد شخصیت‌های آن، نسبت به پروژه‌های قبلی بیشتر است و به همین نسبت حرکات نیز نرم‌تر و داستان ریتم تندتری دارد.

موسیقی یوز را مهرداد جنابی بر اساس سازها و نواهای خراسان و ترکیب آن با موسیقی امروزی ساخته است. برای تأکید بر ایرانی بودن کار و معرفی منطقه، از لهجه‌ی خراسانی یکی از محیط‌بانان استفاده شده است که البته نوعی تقدیر از این قشر زحمتکش نیز محسوب می‌شود. لوکیشن‌ها و فضاها اغلب منطبق با صحنه‌های مشاهده شده در پارک ملی گلستان است.

مجموعه "یوز" سال گذشته از سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش شده است. شخصیت محوری پروژه انیمیشن "هما" نیز پرنده‌ای است به نام هما که تعداد محدودی از آن در منطقه گلستان باقی مانده است. با آمدن او هر یک از حیوانات منطقه با به نمایش گذاشتن توانایی‌های خاص خود سعی در کسب مقام برتر در میان دیگران دارد. در واقع از این طریق علاوه بر کمک به حفاظت این پرنده، مفاهیمی انسانی چون نوع‌دوستی، هم‌فکری، وحدت، و کمک به دیگران مورد بحث قرار می‌گیرند. پیش‌بینی می‌شود این پروژه در اواخر سال ۹۲ به اتمام برسد. تهیه‌کننده و کارگردان هردو مجموعه علیرضا کاویان راد است.

ایران محل زندگی گونه‌های جانوری ویژه و کمیابی است که در زیستگاه‌های خاص خود همچنان به زندگی ادامه می‌دهند. به نظر می‌رسد یکی از عواملی که این میراث گرانبهای طبیعی را در مخاطره انقراض قرار داده شناخت ناکافی از آنهاست، چنان‌که حتا برخی از مردم نام حیوانات موجود در زیستگاه‌ها را نمی‌دانند و از اهمیت و نقش آن‌ها در گستره‌ی طبیعی ایران بی‌خبرند. از این رو اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی عمومی از مقوله‌هایی است که شایسته است بیشتر به آن پرداخته شود.

انیمیشن‌های "یوز" و "هما"، ضمن این‌که تصویری زیبا و با شکوه از حیات وحش پارک ملی گلستان را به نمایش می‌گذارند، با شرح نوع زیست، رفتارها و ویژگی‌های جانوران منطقه در قالب داستان‌ها و ماجراهایی در صدد ایجاد انگیزه در مخاطب برای دستیابی به شناخت بهتری از سرزمین خود و بدین ترتیب کمک به حفظ گنجینه‌های ملی است. پروژه‌ی ساخت انیمیشن "یوز" نخست به پیشنهاد "مرکز پویانمایی صبا" و به نویسندگی علی مینایی آغاز و در قالب یک تریلوزی یا مجموعه داستانی سه قسمتی، هر کدام به مدت ۴۵ دقیقه، تهیه شد.

در فیلم نخست در شرایطی خاص و به طور اتفاقی بچه یوز سر از گله‌ی آهوها در می‌آورد و با بچه آهوئی دوست می‌شود. محور این فیلم روح جوانمردی و مروت است. در داستان بعدی چهارپایان که متوجه نزدیک شدن زمان زلزله شده‌اند به کمک یکدیگر خبر آن را به گوش محیط‌بان‌ها می‌رسانند. فیلم سوم هم در مورد فریب یک روباه است که یوز کوچک را به سرزمین آدم‌ها می‌برد و آنها در

۱. مرکز ساخت انیمیشن در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران



نگارنده بر فراز صخره‌ها در پارک ملی کویر در حال فیلمبرداری

سید بهزاد یوسفی

مستند رفتارشناسی سلطان صخره‌ها

همراه است. با این همه، فعالیت‌های خود برای تهیه مستندهای رفتاری را با محوریت کل و بز شروع کردم. در این مستند رفتارشناسی به نام "سلاطین صخره‌ها" صحنه‌هایی از مرحله نوزادی، نحوه شیر خوردن بزغاله، تعلیم و آموزش مانورهای مختلف در صخره‌ها و عملیات آکروباتیک و شیپنت‌های خاص بزغاله، مرحله نوجوانی، پرش و دویدن در صخره‌ها و مانورهای مختلف، توقف ناگهانی برای جلوگیری از پرت شدن از صخره نمایش داده می‌شود. در این مستند همچنین تشریح کامل فیزیکی بدن، جزئیات رنگ‌بندی و آناتومی بدن، نحوه تغذیه و نشخوار کردن، میزان مصرف آب در مناطق کویری، نحوه و روش خوابیدن و چرت زدن، آماده شدن برای فصل جفت‌یابی، مراحل و جزئیات شروع فصل جفت‌یابی و جفت‌گیری گنجانده شده است. خیلی از رفتارها و تصاویر ثبت شده در این مستند شاید تا به حال در مستندهای دیگر به نمایش در نیامده باشد. از جمله صحنه‌هایی از نزاع و دعوای شدید برای کسب ریاست حرمسرا در گله، صدمات و آسیب‌هایی که به کل‌ها در این ایام وارد می‌شود، واکنش بزها، شروع فصل بهار و جزئیات مراحل ریزش پشم کهنه و رشد پشم جدید، تشریح جزئیات شاخ و نحوه رشد فرم‌های مختلف شاخ، و دوباره مرحله نوزادی بزغاله و کنجکاو‌های کودکانی او برای آشنایی با محیط خود و در نهایت تبدیل شدن به سلطان صخره‌ها با تصاویر کادر بسته (close up) و کاملاً گویا نمایش داده می‌شود.

ادامه‌ی پروژه‌ی مستندسازی رفتاری جانوران ایران نیازمند حمایت همه‌ی دوست‌داران طبیعت و سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با محیط زیست است تا من نیز بتوانم دینی را که به طبیعت زیبا و حیات وحش بی‌ظنیر این مرز و بوم دارم به خوبی ادا کنم.

ساخت مستند رفتاری از بیشتر حیوانات و در بسیاری از مناطق بسیار مشکل و گاهی غیرممکن به نظر می‌رسد. البته اکثر مستندهای ساخته شده در محیط‌های مجازی یا باغ وحش‌های آزاد یا پارک‌های محصور تهیه می‌شود که در آنها حیوانات ترسی از بازدیدکننده‌ها ندارند. به طور مثال، در عکسی که در صفحه ۸ شماره ۲ همین خبرنامه در صفحه مربوط به مقاله من درج شده بود مستند ساز زیر چتر در مقابل گله‌ای از فیل‌ها به راحتی ایستاده و با دقت مشغول کار خود است و هیچ نگرانی از فرار و دور شدن حیوان مقابل خود ندارد. در صورتی که در ایران به قول آقای جرج شلر کارشناس برجسته حیات وحش، «حیات وحش ایران به معنای واقعی حیات وحش است» و حضور انسان را در نزدیکی خود به هیچ وجه تحمل نمی‌کند. در چنین شرایطی تهیه فیلم مستند بسیار دشوار و در بسیاری از موارد غیرممکن است. به همین سبب تا کنون فیلم مستند رفتارشناسی کامل از دوره زندگی یک گونه، مثلاً کل و بز و قوچ و میش، با تمام جزئیات رفتاری در تمام فصول تهیه نشده است.

جمع این موارد و علاقه شدید و موارد ناگفته دیگر انگیزه و جوششی در من به وجود آورد که به هر ترتیب تا حد امکان سال‌های آخر فعالیت میدانی عمرم در طبیعت را به این امر مهم اختصاص دهم و بکوشم تا مجموعه مستند کاملی از رفتارشناسی کل و بز و قوچ و میش و تاج‌جای ممکن گربه‌سانان کشور عزیزمان تهیه کنم. امری بسیار مشکل و در عین حال دل‌انگیز.

از سال ۱۳۸۷ ساخت مستند رفتاری کل و بز و قوچ و میش و گربه‌های ایران را به طور اخص و سایر جانوران را به طور اعم آغاز کردم. زیستگاه کل و بز عمدتاً در شیب تند و صخره‌های صعب العبور و ارتفاعات بلند و دور از دسترس است. در نتیجه فیلم‌برداری از این گونه با مشکلات زیادی

حفاظت از یوزپلنگ آسیایی و همزیستانش در پهنه وسیع توران

◀ دلارام عشایری^۱، امیرحسین خالقی حمیدی^۱، شیدا عشایری^۱، حامد ابوالقاسمی^۲، طاهر قدیریان^۲، احمد عجمی^۲
۱. مؤسسه‌ی حیات وحش میراث پارسیان، ۲. انجمن طرح سرزمین، ۳. کارشناس محلی پروژه

پروژه حفاظت از یوزپلنگ آسیایی در توران مجموعه‌ای از فعالیت‌های تحقیقاتی و عملی در حوزه‌های زیست‌شناسی و اجتماعی حفاظت است که با هدف اصلی بهبود وضعیت یوزپلنگ آسیایی و زیستگاهش در ذخیره‌گاه زیستکره توران از خرداد ۱۳۹۱ به طور جدی آغاز شده است. این پروژه با نظارت و حمایت اداره کل محیط زیست استان سمنان و دفتر پروژه بین‌المللی حفاظت از یوزپلنگ آسیایی و زیستگاه‌های مرتبط با آن توسط

موسسه حیات وحش میراث پارسیان به اجرا در آمده است. گروه اجرایی این پروژه با تکیه بر تجربیات کسب شده به واسطه مشارکت در فعالیت‌های ۱۰ ساله اخیر پروژه حفاظت از یوزپلنگ آسیایی (CACP) و دفتر برنامه‌ی کمک‌های کوچک برنامه عمران ملل متحد (SGP/GEF/UNDP) که توسط سازمان‌های مردم‌نهاد طرح سرزمین و بوم‌پژوهان در منطقه اجرا شدند، مجموعه‌ای منسجم از فعالیت‌های حفاظتی را تعریف کردند. هدف ما از این برنامه حفاظت از یوزپلنگ آسیایی و همزیستانش و همچنین انسجام بخشیدن به تلاش‌های حفاظتی متنوع و پراکنده در توران است.

یوزپلنگ آسیایی گربه‌سانی است که نامش با واژه در معرض خطر انقراض همراه شده و زیستگاهی جز ایران برایش باقی نمانده است. ذخیره‌گاه زیستکره توران با ۱,۴۴۱,۵۲۳ هکتار وسعت دومین ذخیره‌گاه زیستکره بزرگ جهان و یکی از اصلی‌ترین زیستگاه‌های یوز در ایران است. یوزپلنگ در این زیستگاه هم‌زیستانی دارد که هر کدام در جایگاه خود از ارزش حفاظتی بالایی برخوردارند. پلنگ ایرانی، گورخر آسیایی، گرگ خاکستری، کفتار راه‌راه، کاراکال، گربه شنی، گربه وحشی، شاه روباه، آهو، جبیر، کل و بز و قوچ و میش از پستانداران شاخص منطقه هستند. زاغ بور که تنها پرنده بومی (اندیمیک) ایران است نیز از دیگر ساکنان توران است. علاوه بر این‌ها، گیاهان، خزندگان، پرندگان و حشرات متنوع دیگری نیز در این زیستگاه زندگی می‌کنند. حفاظت از یوزپلنگ به عنوان گونه مورد هدف این پروژه مستلزم ارتقای همه جانبه کیفیت زیستگاه و در

نتیجه حفاظت از دیگر موجودات منطقه است.

تحقیق و فعالیت‌های حفاظتی در حوزه علوم زیستی

فاز نخست این پروژه که به برآورد حداقل جمعیت یوز از طریق دوربین‌گذاری در منطقه اختصاص یافت در فروردین ۱۳۹۲ به پایان رسید. این بررسی میدانی با کارگذاشتن دوربین‌های تله‌ای در بیش از ۱۱۰ نقطه در منطقه دوربین‌گذاری، و با بیش از ۷۵۰۰ دوربین - شب‌تلاش، موفق به ثبت یوز آسیایی در ۱۳ نقطه شد. با مقایسه حال، تعداد ۴ فرد یوزپلنگ (۳ نر و ۱ ماده) شناسایی شدند. در ادامه‌ی برنامه‌ی دوربین‌گذاری تا پایان خرداد ۹۲، ۱۵ دوربین تله‌ای در منطقه باقی ماندند و موفق به ثبت مجدد ۲ یوز نر از پیش شناسایی شده و یک ماده جدید شدند. نتایج بیشتر این تحقیق، که بیانگر جزئیات دقیق‌تر از اطلاعات کسب شده از یوزهای توران است، پس از تحلیل داده‌ها گزارش خواهد شد. همچنین مجموعه اطلاعات به دست آمده از گونه‌های دیگر جانوری مانند پلنگ، گرگ و کفتار، که با عبور از مقابل دوربین‌ها به ثبت رسیده‌اند نیز پس از بررسی و تحلیل در گزارش مذکور گنجانده خواهد شد. دوربین‌های تله‌ای برای ادامه تحقیق در منطقه باقی ماندند تا با جمع‌آوری اطلاعات مدون امکان پایش جمعیتی یوز و بررسی پراکندگی و تحرک جانوران را در طول زمان به ثبت برسانند.

علاوه بر تحقیقات مرتبط با یوز و دیگر گوشتخواران منطقه، این پروژه در حیطه تحقیقات زیستی و اکولوژیک شامل بررسی‌های زیست‌شناختی و اکولوژیکی دیگری خواهد بود که در مراحل بعدی به برآورد علمی و قابل استناد طعمه‌های یوز (قوچ و میش، کل و بز، آهو و جبیر) و ارائه راهکار برای ارتقای وضعیت موجود بر حسب اطلاعات حاصله خواهد انجامید.

تحقیق و فعالیت‌های حفاظتی در حوزه اجتماعی

توران مکانی جدا از اهالی بومی و جوامع انسانی اطرافش نیست. به همان میزان که آثار مخرب فعالیت‌های انسانی بر حیات وحش و زیستگاه تاثیر می‌گذارد، حفاظت و بهبود وضعیت توران نیز بر زندگی اهالی بومی تاثیر خواهد داشت. هرچند فعالیت‌های

صورت گرفته در منطقه هر کدام در جایگاه خود پیشرو و الگو بوده‌اند، اما تداوم بررسی فعالیت‌های اجرایی همچنان لازم به نظر می‌رسد. از این رو، بررسی وضعیت اجتماعی جوامع محلی حاشیه توران، شناسایی نگرش و رویکرد آنان در ارتباط با این ذخیره‌گاه زیستکره، بررسی متمرکز مبحث شکار غیر مجاز علفخواران به عنوان یکی از عوامل تهدیدکننده یوزپلنگ و کل جانداران منطقه، برگزاری نشست و کارگاه‌های مشارکتی با جوامع محلی، تسهیلگری و آموزش گروه‌های علاقه‌مند به مشارکت مستقیم در حفاظت نیز در زمره‌ی برنامه‌های آینده این پروژه هستند.

ما امیدواریم تا با نظارت مستقیم پروژه بین‌المللی حفاظت از یوزپلنگ آسیایی و اداره کل حفاظت محیط زیست استان سمنان و با حمایت مداوم حامیان مالی این پروژه، گام‌های مستحکمی در راستای حفاظت از این منطقه‌ی استثنایی کشورمان برداریم.

سیاسگزاری

از اداره حفاظت محیط زیست استان سمنان به ویژه جناب آقای مهندس ظهیرابی مدیریت محترم، اداره پارک ملی توران به مدیریت آقای قربانلو، محیط‌بانان محترم توران آقایان بخشی، حقیقت، خانی، ذوالفقاری، فاضلی، کرمی، کلانتری، گری، مرادی، نجفی، هروی و یوسفی کمال تشکر را داریم. همچنین از حمایت و پشتیبانی آقای مهندس جوکار، مدیریت محترم پروژه حفاظت از یوزپلنگ آسیایی تشکر می‌کنیم.

از همراهان داوطلب این پروژه - خانم‌ها یاسمن طالبی، بهار زعفرانی، آقایان احمد و حمید جاراللهی، وحید دزفولی، امیرحسام خالقی حمیدی و محمود صوفی - برای کمک به این فعالیت سیاسگزاری. از حمایت مالی اداره کل محیط زیست استان سمنان، شرکت بی‌کربنات سرخه، روغن زیتون مینودشت و آقای محمود حقیقی که در انجام بخش نخست پروژه ما را یاری کردند سیاسگزاری. در نهایت از اهالی محترم روستای قلعه بالا برای پذیرفتن و حمایت گروه کاری کمال تشکر را داریم.



کوشکی، یوزپلنگ آسیایی، پناهگاه حیات وحش میاندشت، عکس از امیرحسین خالقی حمیدی

خاله دنا و «شپلک»

دنا ضیایی

در تجربه و تحلیل نتایج به دست آمده از هشت سال آموزش کودکان در بیش از ۵۰۰ مدرسه و مهد کودک متوجه شدیم کودکان و نوجوانان ما حیوانات سایر کشورها را بهتر از حیوانات کشور خودمان می‌شناسند. داده‌ها نشان داد که علت اصلی تماشای برنامه‌های مستند تلویزیونی است که معمولاً ساخت خارج و در مورد حیوانات سایر کشورها است و از رسانه‌های ما پخش می‌شود. از آنجا که تا کنون کمتر کسی به تولید برنامه‌های آموزشی مربوط به حیات وحش کشورمان برای کودکان و نوجوانان همت گمارده است بیشتر کودکان از تنوع کم‌نظیر حیات وحش در ایران بی‌اطلاع هستند و حتی نسبت به حیوانات خاص ایران، نظیر یوزپلنگ و گورخر آسیایی که در دنیا به نام ایران شناخته می‌شوند، شناختی ندارند.

از آنجایی که ساخت یک برنامه تلویزیونی نیاز به تجربه و دانش کافی داشت و این کار به تنهایی از ما ساخته نبود، با راهنمایی و همکاری خانم مهندس دارایی، مسئول برنامه کمک‌های کوچک تسهیلات محیط زیست جهانی که سابقه اجرای برنامه‌های متعدد آموزشی در سطح کشور و تجربیات جهانی دارند، در صدد ساخت برنامه‌ای برای کودکان و نوجوانان برآمدیم. همچنین این طرح نیاز به افرادی با ذوق و متخصص در زمینه تولید و کارگردانی داشت. بنابراین، این ایده و طرح را با خانم شهره لریستانی بازیگر و کارگردان خلاق کشورمان مطرح کردیم. او نیز که خود از علاقمندان و حامیان حیوانات است از این ایده استقبال کرد و با کمک او و تعدادی از کارشناسان و افراد باتجربه، طرح مجموعه داستانی «خاله دنا و شپلک» را نوشتیم که مورد توجه شبکه دو سیما قرار گرفت.

به طور کلی، در هر بخش از این مجموعه ۲۶ قسمتی تلاش بر آن بوده است که ضمن آشنا کردن کودکان با جانوران وحشی، زیستگاه‌ها و ارزش‌هایشان، باورهای غلطی را که در بین مردم رواج دارد و گاهی نسل به نسل به آنها منتقل شده است (مانند شوم بودن جغد، سمی بودن مارمولک، تولد سمندر از میان آتش) از میان ببریم و این موضوعات را در قالب برنامه‌های داستانی و طنز، توأم با آموزش صحیح به کودکان و نوجوانان نمایش دهیم.

داستان این مجموعه‌ی تلویزیونی از این‌جا آغاز می‌شود که خواهر خاله دنا، ۹ ساله خود را که نامش «شپلک» است و علاقه عجیبی به آزار حیوانات دارد برای مدتی نزد خاله دنا می‌فرستد. خاله دنا مسئول یک موسسه آموزشی حیات وحش است و از طرف دیگر به کار مداوای حیوانات وحش مصدوم و گرفتار و رها نمودن آنها در طبیعت مشغول است. در مدت اقامت شپلک در پیش خاله دنا، او پس از شرکت در



برنامه‌های آموزشی و سفر به زیستگاه‌های مختلف، متوجه کارهای اشتباه خود می‌شود. در پایان شپلک که با اهمیت جانوران وحشی و نقش آن‌ها در چرخه طبیعت آشنا شده کم‌کم تبدیل به یک فرد علاقه‌مند و حامی حیوانات می‌شود.

تهیه‌کنندگی و کارگردانی این سریال ۲۶ قسمتی را که هر قسمت آن حدود ۲۰ دقیقه است خانم شهره لریستانی بر عهده دارند. آقای داود منفرد، که چهره شناخته شده‌ای برای کودکان است، با ایفای نقش «عزیز آقا» که مردی ساده و خرافاتی است، در پررتر شدن این برنامه و تطبیف آن نقش مؤثری ایفا کرده‌اند. نقش خاله دنا را خود من بازی می‌کنم. امیدوارم این مجموعه آغازی باشد برای تولید فیلم‌های آموزشی در زمینه حفاظت از حیات وحش و نهادینه کردن ارزش‌های آن در نسل نوپا و آینده‌ساز کشورمان ایران.





کارگاه آموزشی برگزار شده در روستای سلمان آباد ورامین

هنر زنان عشایری در خدمت حفاظت

افسانه احسانی

موسسه آوای طبیعت پایدار

به دنبال اجرای پروژه هنر برای حفاظت (ارتقاء معیشت جامعه محلی با تکیه بر اکوتوریسم از طریق صنایع دستی) با حمایت بخش کمک‌های کوچک تسهیلات محیط زیست جهانی سازمان ملل متحد، موسسه آوای طبیعت پایدار با حمایت اداره امور عشایر استان تهران و گروه همکاری‌های منطقه‌ای زنان خاورمیانه طرح مشابهی را برنامه‌ریزی و اجرا نمود. هدف طرح کاهش اثرات منفی حضور دام در مراتع استان تهران به ویژه دشت لار از طریق ایجاد معیشت مکمل برای زنان عشایری با تکیه بر مهارت‌های آنها در تولید صنایع دستی بومی کاربردی و قابل عرضه به بازار است. پس از مشورت با کارشناسان اداره امور عشایری استان تهران و نیز نماینده اتحادیه استان، شهرستان‌های مورد مطالعه تعیین شد. سپس طی جلسات متعدد با نمایندگان تعاونی‌های عشایری در شهرستان‌های مختلف، روستاهای هدف مشخص شد. نمایندگان تعاونی‌های عشایری خانواده‌هایی را که هنوز در زمینه صنایع دستی فعال هستند شناسایی کردند و زمینه را برای حضور تیم مطالعاتی فراهم ساختند. در فاز اول این طرح با عکاسی از بافته‌های عشایر وضعیت موجود ۲۷ روستای قشلاق عشایر مورد بررسی قرار گرفت و نتایج در قالب کتابی با عنوان نگاهی بر صنایع دستی عشایر استان تهران چاپ شد. در طی این مطالعه ۴۳ نوع صنایع دستی شناسایی و ثبت شد. به گفته صاحبان آنها، بسیاری از این هنرها به علت عواملی، از جمله فقدان ابزار و امکانات لازم، ناتوانی‌های جسمی بانوانی که هنوز این مهارت‌ها را می‌دانند و نبود انگیزه کافی برای احیای مجدد قابل تولید نیستند و باید تنها در موزه‌ها نگهداری شوند. در فاز دوم، پس از بررسی‌های مختلف و مقایسه پتانسیل‌های زنان روستاهای مورد مطالعه و مشورت با کارشناسان اداره عشایر روستای سلمان آباد ورامین انتخاب شد. سپس کارگاه‌های آموزشی متنوع جهت تولید محصولات کوچک و قابل عرضه برای انواع سلیقه‌ها با استفاده از مواد اولیه طبیعی و

در دسترس زنان عشایر اجرا شد. در حال حاضر در مراحل نهایی طرح فعالیت تیم اجرایی بر ارتقاء کیفیت محصول، بازاریابی و یافتن شیوه‌های اثرگذار برای تقویت ارتباط میان هنر و حفاظت از طبیعت و فرهنگ عشایر متمرکز است. از چالش‌های موجود بر سر راه این طرح می‌توان به این موارد اشاره کرد: با توجه به این که استان تهران محل اصلی زندگی بسیاری از عشایر منطقه نیست مسائلی مانند کمبود بارش، حساسیت‌های زیستی ییلاق لار (پارک ملی لار)، نبود مسیرهای



نمونه‌ای از صنایع دستی ساخته شده توسط عشایر

مناسب برای عبور دام و سرقت دام مشکلاتی را برای این جامعه به وجود آورده است. از طرفی تضادهای اصول توسعه پایدار و دامداری برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری را برای عشایر پیچیده ساخته است. در گذشته نقش زن عشایری در تولید فرآورده‌های دامی، صنایع دستی و اداره امور زندگی بسیار پراهمیت بود ولی تحولات گسترده در سبک زندگی بر جامعه عشایری نیز اثرگذار بوده است. به عنوان مثال، با این که ساکنان روستای سلمان آباد ریشه‌های

عشایری دارند، در حال حاضر عده بسیار محدودی از آنها زندگی واقعی عشایری را تجربه می‌کنند. یادآوری ارزش‌های بومی جامعه و ایجاد باور ارزشمند بودن هویت عشایری فعالیتی زمان‌بر و پرچالش است. به طوری که پیش از اجرای طرح به نظر می‌رسید به علت حضور دام مواد اولیه برای تولید صنایع دستی به راحتی در دسترس باشد، در صورتی که به گفته برخی از آنها بسیاری از عشایر برای چیدن پشم گوسفندان از کارگران افغانی کمک می‌گیرند و متأسفانه تنها معدودی از زنان در ریسیدن پشم و رنگ کردن آن مهارت دارند. در ابتدای طرح انگیزه انجام فعالیتی این چنینی و حضور فعالانه و مسؤولانه زنان روستا در جلسات چندان پررنگ نبود. از طرفی روش به کار گرفته شده با شیوه تسهیلگری و بهره‌گیری از ایده، خلاقیت و هنر بومی خود آنها بر ایشان غیر متعارف بود که باعث شد مدت زمان بیشتری برای اعتمادسازی و جلب مشارکت آنها صرف شود. با توجه به این که روستای سلمان آباد از جاذبه‌های گردشگری برخوردار نیست، خرید مستقیم از جامعه میزبان توسط گردشگران امکان‌پذیر نیست و این امکان تنها از طریق نمایشگاه‌ها و موارد مشابه به وجود می‌آید، بنابراین پایداری طرح به اثرزایی‌های مضاعف نیاز دارد.

از دستاوردهای این پروژه می‌توان به حفظ و احیای هنرهای بومی از جمله احیای بافت اصیل تیرچین^۱، ایجاد انگیزه و تقویت امید در زنان عشایری، یادآوری شیوه‌های اصیل زندگی عشایری و افتخار به آن، اشتغال‌زایی و تولید درآمد، ایجاد شور و اشتیاق در زنان جهت انجام فعالیت‌های گروهی و خلق هنرهای بومی، ایجاد فرصت برای بحث و تبادل نظر پیرامون موضوعات ارزشی مانند اهمیت توجه به اصالت و هویت بومی عشایری و نیز حفاظت از منابع طبیعی، یادآوری ارزش‌های فراموش شده گذشته، انتقال تجربه از نسل گذشته به نسل جدید، تقویت روحیه در زنان و ایجاد تنوع در زندگی روزمره آنان اشاره کرد.

۱. نمکدان: بافته‌ای است برای نگهداری و حمل نمک در ییلاق. نمکدان در روستای سلمان آباد که اصالتاً ریشه آنها به استان فارس برمی‌گردد با طرحی به نام تیرچین بافته می‌شود.



مستند «مَم» خرس سیاه بلوچی»

مهدی چلانی

خرس از سوی ما شدند. گاهی که برای خرید به شهر می‌رفتیم، برخی از مردم موضوع را جویا می‌شدند و حتا با ما همدلی نشان می‌دادند. البته در کمال تعجب بعدها فهمیدیم که به واسطه‌ی کاری که ما انجام می‌دادیم، وسیله‌ای برای احساس غرور عده‌ای از آنها فراهم شده است.

در طول مدت دو سال تصویر برداری، رفته رفته شناخت ما از فرهنگ، خواسته‌ها و نیازمندی‌های منطقه نیز افزایش یافت و اصول کاری ما جهت‌گیری بهتری یافت. به نظر ما احترام محسوس و قابل لمس به فرهنگ مردم و محوریت قرار دادن باورهای بومی و تلاش در جهت آشنایی آنان با خرس سیاه توانست در موفقیت این فیلم بسیار تاثیرگذار باشد.

به واسطه‌ی ساخت این اثر، تعداد زیادی از مردم برای نخستین بار موفق به دیدن خرس سیاه در زیستگاه طبیعی این جانور شدند. این امر بر تغییر نگرش آن‌ها نسبت به این گونه جانوری بسیار تاثیرگذار بود. تجربه دیدن جانوری مانند خرس سیاه، که تا آن زمان موجودی درنده و بسیار خطرناک تلقی می‌شد، به سادگی و به سرعت دهان به دهان می‌گشت و احتمالاً بر نگرش کلی اعضای جامعه نسبت به خرس‌ها نیز تاثیرگذار بوده است. در واقع این مستند در تلاش بوده است تا بتواند پیامی را از زبان بخشی از مردم برای سایر مردم ارائه دهد، که از این حیث می‌توان آن را یک تریبون مدرن و تاثیرگذار به شمار آورد.

در طول مدت اجرای پروژه، یک فیلم داستانی کوتاه با محوریت کودکان و نوجوانان با عنوان «خرس کوچولو»، و دو مستند بلند در مورد خرس سیاه با عناوین «مَم، خرس سیاه بلوچستان» و «مَم، خرس سیاه بلوچی» در جنوب شرقی ایران ساخته شده است. اکنون سعی داریم تا قسمت سوم این فیلم مستند را با استفاده از تجربیات ارزشمندی که طی فعالیت‌های گذشته کسب کرده‌ایم آماده کنیم.

بومی، مستندی تهیه کنیم که هدف اصلی آن آشنایی مردم با ویژگی‌های رفتاری، نیازمندی‌ها و زیستگاه خرس سیاه و نقش خود آنها در حفاظت است. همچنین این فیلم تلاشی است برای برانگیختن مردم به بازاندیشی در فرهنگ سنتی تعامل با طبیعت و حیات وحش، و جا انداختن ضرورت حفاظت پایدار از این گونه‌ی جانوری به عنوان گونه‌ای که به شدت در معرض نابودی قرار دارد، قدم‌هایی برداشته شود. برای پیشبرد اهداف مذکور ۵ گروه به عنوان گروه‌های هدف برای مشارکت انتخاب شدند: (۱) مدیران و برنامه‌ریزان استانی و محلی، (۲) روحانیون و ائمه جماعت، (۳) مردم محلی، (۴) معلمان و دست‌اندرکاران آموزش، و (۵) دانش آموزان.

در روند اجرای این پروژه با گروه‌های هدف صحبت شد و کوشش به عمل آمد تا، علاوه بر آگاهی یافتن از دیدگاه‌های آنان درباره‌ی جانور مورد نظر، به بیان اطلاعاتی پرداخته شود که زمینه‌ساز تحول دیدگاه این افراد از جنبه‌های معنوی و مادی درباره‌ی موضوع حفاظت از حیات وحش خواهد بود.

در طول عملیات تصویربرداری، همواره سعی شد تا مردم محلی و به ویژه روستاییان از دلایل و نیز کم و کیف اجرای پروژه‌ی تهیه‌ی فیلم آگاه شوند. نتیجه بسیار جالب بود. بسیاری از آنها کنجکاو ماجرا و سپس خود درگیر ماجرای تهیه فیلم شدند. آنان افرادی را پیدا کردند که برای یافتن خرس سیاه حاضر شده بودند به تنهایی در کوهستان، انتهای باغات یا خرابه‌ها زندگی کنند، روزگارشان را با خرما یا کشک بگذرانند و از هیچ نوع سختی نهراسند. کم‌کم زمزمه‌ها و صحبت‌هایی که در میان مردم بومی جریان یافت حاکی از آن بود که خرس سیاه به واسطه توجهی که آدم‌های خاص، و البته از نظر آنها قابل تقدیر، به این حیوان نشان می‌دادند از اهمیت و حساسیتی به مراتب بیشتر از گذشته برخوردار شده است. رفته رفته مردم مشتاق پی‌گیر داستان دیدن

مستند «مَم، خرس سیاه بلوچی» را بر حسب تاثیرات اجتماعی آن شاید بتوان نوعی مستند تحول‌گرا یا به عبارتی سینما وریته (Cinema Verité) نامید. این نوع مستند یکی از مهم‌ترین و در عین حال تاثیرگذارترین اسلوب‌های فیلم مستند به شمار می‌رود. شروع این حرکت را می‌توان در ساخته‌های «ژان روش» دانست که از سینما در جهت پژوهش‌های مردم شناختی درباره مردم آفریقا سود جست. فیلم‌هایی چون «سرزمین جادوگران سیاه» (۱۹۶۸)، «شکار کردگن» (۵۱-۱۹۵۰) و «ارباب دیوانه» (۱۹۵۴) از این دست محسوب می‌شوند. اما مردم آفریقا لب به اعتراض گشودند و در ابتدا او را به فروش فرهنگشان در دانشگاه‌ها و دفاع از منافع استعماری دولت فرانسه متهم کردند. در پاسخ به اتهامات فوق «روش» روشی ابداع کرد که در آن به موازات فیلمبرداری با در پایان آن، فیلم‌هایی را که برداشته بود به کسانی که از آنها فیلم برداشته شده بود نشان می‌داد و آنها نگرش کارگردان را با اظهار نظرهای خود تصحیح می‌کردند. «روش» با ثبت واکنش و اظهار نظر مردم بر روی فیلم، از آنها در فیلم خود سود می‌برد. چنین روشی، علاوه بر دستیابی به خلوص بیشتر در نمایش واقعیت، به آدم‌های فیلم نیز این امکان را می‌داد که خویشتن را از دریچه‌ی دید فردی بیگانه به تماشا بنشینند. موضوعی که به دگرگونی و تصحیح شناخت آنها از خود نیز یاری می‌رساند.

«فرنان دان سرو» فیلمساز کانادایی نیز فیلم «سنت ژرم» (۱۹۶۳) را درباره‌ی شهر کوچکی به همین نام واقع در مونترال کانادا ساخت. مردم شهر در بازبینی صحنه‌هایی که از آنها برداشته شده بود زبان به انتقاد گشودند و درباره آنها به بحث و گفتگو پرداختند. به این ترتیب، تولید فیلم زمینه را برای مشارکت و تلاش مردم این شهر فراهم ساخت.

به شیوه‌ای مشابه، در ساخت مستند «مَم، خرس سیاه بلوچی» نیز تلاش به عمل آمد تا بتوانیم با محور قرار دادن مردم

هنر، رسانه و حفاظت از محیط زیست

◀ دلارام عشایری

چراغی و نوشین ساطعی، اجرای نمایش "در دسرهای یوزپلنگی" توسط انجمن یوزپلنگ ایرانی در سه روستای همجوار زیستگاه یوز در استان سمنان و همکاری برای تهیه تقویم سال ۱۳۹۲ با نقاشی‌های کودکان از گونه‌های در معرض انقراض، سهمی در پشتیبانی از چنین فعالیت‌هایی در کشور ایفا کرده است. علاوه بر این، موسسه‌ی حیات وحش میراث پارسیان خود را ملزم به تهیه فیلم‌های مستند از پروژه‌های اصلی در حال اجرای خود می‌داند و به انتشار گزارش فعالیت‌های پروژه‌های خود در روزنامه‌های کثیرالانتشار می‌پردازد (از جمله پروژه حفاظت از پلنگ ایرانی در پارک ملی گلستان، روزنامه اعتماد، شماره ۲۵۷۷، ۵ دی ۱۳۹۱). این موسسه با تهیه‌ی خبرنگارانه و برگزاری گردهمایی‌های عمومی تلاش می‌کند تا نه تنها پاسخگوی حامیان فعالیت‌هایش باشد که به جلب حمایت و نظر گروه‌های وسیع‌تر نیز بپردازد.

از جمله با برگزاری گردهمایی سالانه در دو سال اخیر مبادرت به آگاه‌سازی کودکان و خانواده‌هایشان کرده است.

متولیان و اعضای این موسسه بر این باورند که هنر یکی از قدرتمندترین ابزارهای ارتباط اجتماعی است و هنرمندان هر کدام با هویت هنری خود سهمی پررنگ در تاثیر بر نگرش جامعه دارند. این موسسه توفیق همکاری با جمعی از هنرمندان نامدار ایران را پیدا کرده است و از حمایت آن‌ها برای حفاظت از طبیعت ایران بهره می‌برد. برگزاری برنامه‌های فروش آثار هنری مانند برنامه‌ای که در آبان ۱۳۹۰ به نفع حیات وحش ایران برگزار و در طی آن آثار ۱۱ هنرمند به حراج گذاشته شد کوششی بود برای دخیل کردن هنرمندان در حفاظت و تاثیر آن‌ها بر افکار عمومی، که البته درآمد حاصل از آن نیز وسیله‌ی اصلی تأمین بودجه پروژه‌های حفاظت از طبیعت مؤسسه بوده است.

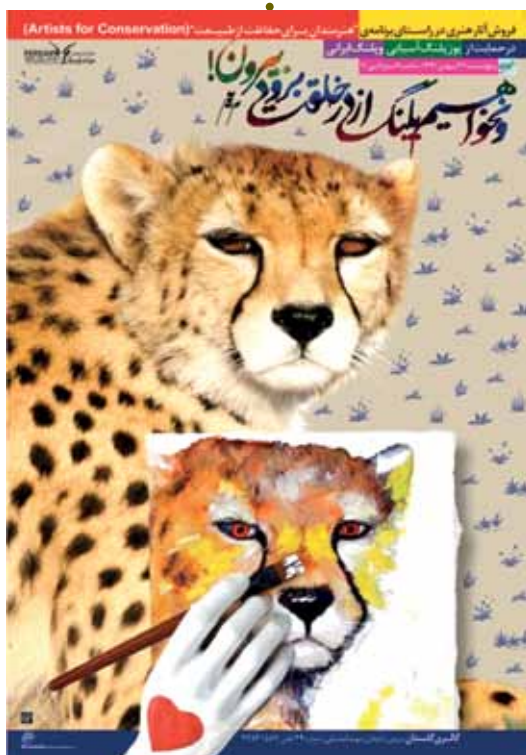
سال گذشته نیز نمایشگاه آثار هنری ۴۶ هنرمند نامدار در عرصه‌های نقاشی، مجسمه سازی، عکاسی و کاریکاتور به پیشنهاد بهرام دبیری و مدیریت لیلی گلستان در گالری گلستان در تاریخ ۲۶ بهمن ۱۳۹۱ برگزار شد. این نمایشگاه بهانه‌ای برای شکل‌گیری برنامه "هنرمندان برای حفاظت از طبیعت" شد که جمعی از هنرمندان ایران را برای حفاظت از طبیعت غنی این کشور گرد هم آورده است. این برنامه در صد است تا در آینده با حفظ هویت حمایت از طبیعت و به پشتوانه‌ی هنرمندان کشور به فعالیت‌های آگاه‌سازی و آموزشی خود در کنار پروژه‌های میدانی حفاظت از تنوع زیستی بپردازد.

این مؤسسه همچنین زمینه‌سازی‌هایی را برای جلب حمایت هنرمندان عرصه‌ی هنرهای نمایشی انجام داده است که امیدواریم با پیگیری‌های بعدی بتوان به تحقق آن دل بست.

مقالات علمی که در نشریات تخصصی علوم حفاظت محیط‌زیست به چاپ می‌رسند اطلاعات متمرکز و آخرین دستاوردهای حفاظتی را از دانشمندی به دانشمندان دیگر و دانش پژوهان حوزه زیست شناسی و حفاظت از طبیعت منتقل می‌کند، اما معمولاً پیامی برای مخاطبانی چون عموم مردم، سیاست‌گذاران، حامیان مالی فعالیت‌های حفاظتی و ذی‌نفعان در بر ندارد. این در حالی است که حفاظت از محیط زیست امری مختص یک گروه یا قشر نیست و به همان میزان که دستاوردهای مثبت آن بر زندگی عموم جامعه تأثیر می‌گذارد، پیشبرد آن نیز در گرو عزم عمومی و مشارکت وسیع اعضای جامعه است. در عین حال، اطلاعاتی که به شکل وسیع و تحت عنوان محیط زیست در اختیار عموم قرار می‌گیرند در اکثر موارد در ارتباط تنگاتنگ با مباحث انسانی این حوزه قرار دارند و به طور کلی متمرکز بر آلودگی‌های محیطی، گرمایش زمین و تخریب جنگل‌ها، دریاچه‌ها و آب‌های زیرزمینی هستند. در نگاه جهانی حتی همین اخبار هم خستگی اطلاعاتی ایجاد می‌کنند و در برخی موارد مخاطبان عمومی را به بی‌تفاوتی سوق می‌دهند. با این همه، هنوز بخش‌های زیادی از مولفه‌های محیط زیست در رسانه‌ها بازتاب کافی نمی‌یابند و آنچه بر آن‌ها می‌گذرد و آنچه از حفظشان عاید زیستوم و بشر می‌شود در دایره آگاهی عمومی قرار نمی‌گیرد. از این رو در نگاه عام، به ویژه در کشورهای در حال توسعه، نگرانی از تخریب و پافشاری بر لزوم حفاظت از زیستگاه‌ها و حیات وحش رویکردی احساسی یا تجملی قلمداد می‌شود و پرداختن به آن الویتی پیدا نمی‌کند.

در دهه‌های اخیر بهره گرفتن از هنر و رسانه برای ارتقای سطح آگاهی عمومی از طریق عکس‌ها، گزارش‌ها، برنامه‌های آموزشی و مستندهایی که مستقیماً به موضوع‌های محیط‌زیستی و مباحث حفاظت می‌پردازند در رسانه‌های عمومی و فضاهای مجازی افزایش چشمگیری داشته است. پدید آمدن رشته‌های تحصیلی بین‌رشته‌ای که ترکیبی از هنر، علوم اجتماعی و تبلیغات هستند، خود بیانگر لزوم استمداد از مجموعه دانش‌ها و توانایی‌های ارتباطی برای انتقال پیام‌های محیط‌زیستی از جمله در قالب هنر به آحاد جامعه است. موسسه‌ها و فعالان محیط‌زیست نیز خود را بیش از پیش نیازمند استفاده از ابزارهای اطلاع‌رسانی عمومی یافته‌اند و تلاش می‌کنند تا پیام‌های حفاظتی را به کمک آن ابزارها به اقشار گوناگون جامعه برسانند.

موسسه‌ی حیات وحش میراث پارسیان، با باور به ارزش و تاثیر فعالیت‌های فرهنگی و هنری آگاهی‌بخش، از چنین اقداماتی استقبال کرده و با حمایت از ساخت فیلم "سرزمین آب و آفتاب" توسط مانی میرصادقی، فیلم مستند "مهم، خرس سیاه بلوچی" توسط مهندس مهدی چلانی، انتشار کتاب‌های "قریاد یوزپلنگ" نوشته علی گلشن و "پرنده‌نگری در ایران" نوشته شهاب



پوستری طراحی شده و اهداشده از طرف فیدلشیوا به مناسبت برنامه‌ی "هنرمندان برای حفاظت از طبیعت" برای حمایت از پروژه‌های پلنگ ایرانی و یوزپلنگ آسیایی در گالری گلستان، بهمن ماه ۱۳۹۱

موسسه حیات وحش میراث پارسیان به برنامه‌ی «۱٪ برای زمین» می‌پیوندد



حفاظت از طبیعت و تنوع زیستی به طور تخصصی بر عهده کارشناسان این حوزه و گروه‌های فعال در عرصه حفاظت از محیط زیست است. افرادی از جامعه نیز یا به علت علاقه به طبیعت یا بر اساس این باور که اثرات مثبت حاصل از حفظ تنوع زیستی به مرزهای مناطق حفاظت شده محدود نمی‌شود و متوجه همگان است، از گروه‌های فعال در عرصه محیط زیست حمایت می‌کنند. در برخی کشورها چنین حمایت‌هایی جزئی از مسئولیت‌های اجتماعی این افراد یا شرکت‌ها به حساب می‌آیند. در کشور ما هنوز تنها صنایع و شرکت‌هایی که به هر شکل به محیط زیست آسیب می‌رسانند ممکن است خود را موظف به جبران تخریب بدانند و دیگر گروه‌ها خود را چندان مرتبط با طبیعت و مسئول در برابر آن نمی‌دانند.

برنامه "یک درصد برای زمین" (1% for the Planet) حرکتی جهانی و پیش رونده است که تا کنون در آن بیش از ۱۰۰۰ شرکت مشارکت یافته‌اند و یک درصد از فروش خود را به ۳۰۰۰ تشکل محیط زیستی معتبر هدیه می‌کنند. این برنامه تنها زمینه‌ای است تا شرکت‌هایی که حفاظت از زمین را وظیفه‌ی خود می‌دانند با مجموعه‌ای از سازمان‌های مردم‌نهاد معتبر و فعال آشنا شوند و یک درصد از فروش سالانه خود را برای کمک به فعالیت‌های تشکل مردمی مورد نظر خود تخصیص دهند.

به پیشنهاد مهندس علی اکرمی، مدیر عامل محترم شرکت خشک‌مانا و در پی عضو شدن این شرکت در برنامه‌ی "یک درصد برای زمین" به عنوان اولین سرمایه‌گذار ایرانی آن و برای حمایت از فعالیت‌های حفاظتی موسسه حیات وحش میراث پارسیان، این موسسه نیز از بهار ۱۳۹۲ اولین تشکل مردم‌نهاد ایرانی این برنامه شد. امیدواریم عضویت ما در این شبکه راهگشای دیگر علاقه‌مندان طبیعت در هر حرفه و تجارتی در کشور باشد و آن‌ها را بیش از پیش در کنار گروه‌های فعال عرصه حفاظت از طبیعت ایران قرار دهد.

همکاری موسسه حیات وحش میراث پارسیان با باغ وحش ارم سبز

ورود دو فیل در باغ وحش ارم سبز به نام‌های مهاری، ماده ۵ ساله، و مهاسین، نر ۸ ساله، از سری لانکا باعث شده است تا مسؤولان باغ وحش به فکر تغییر و تحول در آن مکان بیفتند. این تغییرات شامل بهبود جایگاه جانوران و طراحی تابلوهای جدید برای معرفی بهتر گونه‌هاست. باغ وحش‌ها در همه جای دنیا پایگاه‌های مؤثری برای آشنا کردن مردم با فعالیت‌های حفاظتی به شمار می‌آیند. اگر از حیواناتشان در شرایط مساعدی نگاه‌داری کنند و اطلاعات ساده اما مفیدی به مخاطبان برسانند، بازدیدکنندگان با گذراندن ساعتی شاد از دیدن موجودات زنده با آن‌ها بیشتر آشنا می‌شوند و گاهی حتی آن قدر به بعضی از آن‌ها علاقه پیدا می‌کنند که مایل می‌شوند تا به بقایشان در طبیعت کمک کنند. اما اگر باغ وحش‌ها شرایط مناسبی برای ساکنانشان ایجاد نکنند، شانس آشنی با حیوانات و طبیعت را از بازدیدکنندگان می‌گیرند. با باور به تاثیر این فضا بر نگرش عمومی نسبت به طبیعت و جانوران و به پیشنهاد دکتر ایمان معماریان (دامپزشک مسؤول باغ وحش ارم سبز)، موسسه حیات وحش میراث پارسیان داوطلبانه در کنار باغ وحش ارم سبز قرار گرفت تا در مرحله اول تعدادی از تابلوهای معرفی گونه‌ها را تا زمان ورود فیل‌ها (۱۰ خرداد ۱۳۹۲) آماده کند. این تابلوها شامل مطالبی درباره‌ی ویژگی‌ها، نقشه‌های پراکنندگی، وضعیت، و فعالیت‌های حفاظتی هر گونه است. تا به حال تابلوهای گونه‌هایی از جمله فیل آسیایی، گراز، گورخر ایرانی، روباه، گرگ، کفتار راه‌راه، اسبچه خرسی، شتر دوکوهانه، گربه جنگلی، مرال و گورن زرد ایرانی، با همکاری موسسه تغییر یافته است و موسسه قصد دارد که برای همه‌ی گونه‌های باغ وحش چنین تابلوهایی را آماده کند. امیدواریم با این اقدام باغ وحش ارم سبز در کنار بهبود وضعیت نگاه‌داری حیواناتش اطلاعات مناسبی در اختیار بازدیدکنندگان قرار دهد و به استانداردهای جهانی نزدیک‌تر شود. شما می‌توانید در هنگام بازدید از اعضای جدید باغ وحش، یعنی فیل‌ها، تعدادی از تابلوهای جدید نصب شده را نیز مشاهده کنید.

جایگاه فیل‌ها و تابلوی جدیدشان. عکس از بهروز ناجی

